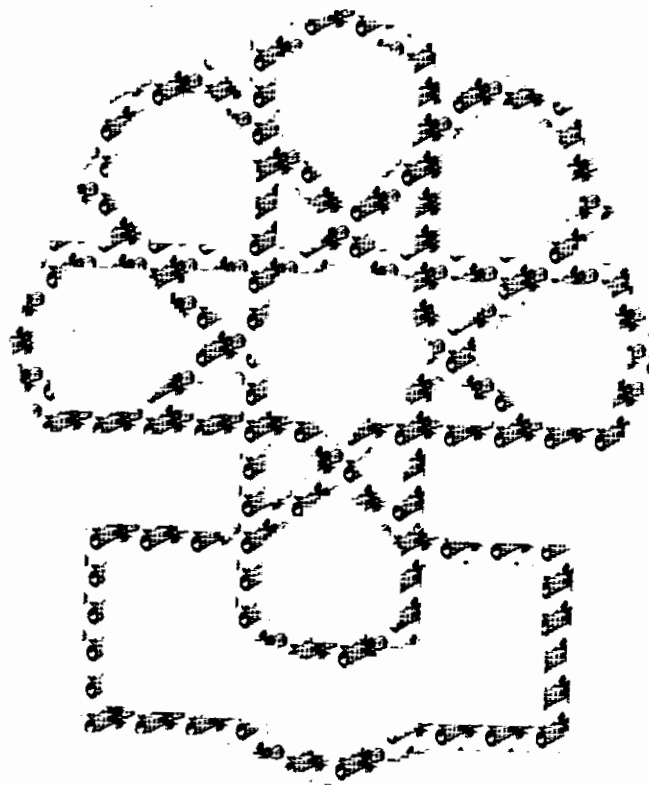




۱۷۵۳

مبانی تئوریک و تاریخی تشکیل گروه هفت و بررسی ابعاد مختلف اجلاس «لیون»



معاونت پژوهشی
مهر ۱۳۷۵

کار: دفتر بررسی‌های سیاسی - اجتماعی

کد گزارش: ۴۰۰۱۷۰۳

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مآرایی
شماره: ۷۷۷۵
تاریخ: ۷۶ / ۱۱ / ۲۵

مبانی تئوریک و تاریخی تشکیل گروه هفت و بررسی ابعاد
مختلف اجلاس «لیون»

کد گزارش: ۴۰۰۱۷۰۳

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده مقاله	۱
مبانی تئوریک و تاریخی تشکیل گروه هفت	۲
مروری بر جلسات گروه هفت از ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۵	۳
بررسی ابعاد مختلف اجلاس لیون، ۱۹۹۶ م	۶
مسئله مقابله با تروریسم بین‌المللی	۶
مسئله بوسنی و هرزگوین و	۷
اوضاع روسیه و روند صلح اعراب و اسرائیل	۸
تبعات جهانی شدن اقتصاد	۹
طرح تحریم ایران	۱۱

مطلبی که پیش رو دارید بررسی مبانی تئوریک و تاریخی تشکیل گروه هفت و جلساتی است که تاکنون تشکیل شده است.

گروه هفت مجمع قدرت‌های بزرگ صنعتی است که حرف اول را در جهان سیاست و اقتصاد می‌زند. در دستور کار اجلاس، عموماً مسائل مهم سیاسی و اقتصادی جهان مورد بحث قرار می‌گیرد ولی عموماً بین اعضا اختلاف‌های فاحشی وجود دارد و آنها نمی‌توانند به تصمیمات مشخص و مهمی برسند. بیانیه‌های نهایی بیشتر حالت کلی دارد و عمدتاً به صورت پیشنهاد است حتی تصمیمات اتخاذ شده همیشه با تأخیر زیادی اجرا می‌شود. در این مقاله به طور مفصل به ابعاد گوناگون اجلاس لیون فرانسه می‌پردازیم.

در نشست لیون، اعضا در مورد مسائل بوسنی، تروریسم بین‌المللی، اقتصاد جهانی، نسبت برابری ارزها و مسائل متفرقه دیگر بحث کرده و تصمیماتی گرفته‌اند ولی مهم‌ترین تصمیم، راجع به بوسنی بود که آثار آن اکنون در حال آشکار شدن است.

○ دولت امریکا اصرار فراوان داشت که ایران به طور مشخص به تروریسم متهم شود که دیگر اعضا دلایل و اسناد مطرح شده را ناکافی و غیرموجه دانستند همچنین قدرت‌های بزرگ صنعتی طرح امریکا را در زمینه تحریم تجاری ایران غیر منطقی دانستند و تهدید کردند که در صورت اجرای قانون «داماتو» علیه شرکت‌های ثالث طرف قرارداد با ایران، دست به مقابله به مثل خواهند زد.

○ در زمینه تجارت، اعضا توافق کردند، که سیاست‌های خود را براساس توافقات «گات» و «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه» تنظیم کنند. همچنین در خصوص بحران خاورمیانه، اعضا خواستار اجرای اصول توافق شده در اسلو و طرح صلح در برابر زمین شدند.

□ مبانی توریک و تاریخی تشکیل گروه هفت

بعد از جنگ جهانی دوم، اقتصاد کشورهای کاپیتالیستی بر اساس نظام «برتون وودز» تنظیم می‌شد. نظام «برتون وودز» دو مکانیسم تنظیم کننده برای ثبات اقتصادی برقرار کرده بود؛ یکی تثبیت نرخ ارز بر اساس استاندارد دلار و طلا و دیگری تصمیمات گرفته شده در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، صندوق بین‌المللی پول و بانک ترمیم و توسعه (بانک جهانی) بود.

اقتصاد کشورهای بزرگ صنعتی (غیر سوسیالیستی) تا سال ۱۹۷۰ م با مشکلات چندان حادی مواجه نشده بود، تا این که کسری‌های فزاینده تجاری امریکا نسبت به ژاپن و آلمان و مشکلات بودجه‌ای ناشی از بحران ویتنام، دولت امریکا را مجبور کرد سیاست تثبیت ارزش دلار را کنار بگذارد و بدین گونه نظام «برتون وودز» از هم پاشید.

یکی از نکات قابل توجه بعد از جنگ جهانی دوم، وابستگی متقابل فزاینده کشورهای است. اقتصاد کشورهای جهان به ویژه دولت‌های کاپیتالیستی به سوی به هم پیوندی متقابل پیش رفت، به طوری که اکنون بیش از یک سوم محصول ناخالص ملی^۱ کشورهای بزرگ صنعتی (غیر از امریکا) از طریق تجارت و بیش از یک دهم محصول ناخالص ملی ایالات متحده از طریق تجارت با دیگر کشورهای جهان به دست می‌آید. از این رو است که دولت‌ها امروز، با پدیده‌ای به نام جهانی شدن^۲ مواجه هستند که این امر به طریق اولی در مسائل اقتصادی صادق است.

امروزه اقتصاد کشورها تحت تأثیر مستقیم فرایندهای اقتصاد جهانی یا اقتصاد جهانی شده^۳ قرار دارد. نفت و دلار دو مورد از متغیرهای مهمی بوده‌اند که برای اقتصاد جهانی بعد از دهه ۱۹۵۰ م بسیار اهمیت داشته‌اند. افزایش غیر مترقبه قیمت نفت در سال‌های ۷۴-۱۹۷۳ م، متعاقب جنگ اعراب و اسرائیل تعدیلات مهمی را در اقتصاد جهانی به وجود آورد. پرداخت پول بیشتر برای نفت بر اقتصاد کشورهای پیشرفته تأثیر مهمی داشت، زیرا نفت در کارکرد اقتصاد این کشورها بسیار حایز اهمیت بوده است.

تقاضا برای نفت بی‌کشش^۴ بود، یعنی تغییرات قیمت نفت در مقدار تقاضا تأثیری نداشت. این مسئله باعث شد که دولت‌ها خرید محصولات دیگر را کاهش دهند و برای خرید نفت، به صدور اسکناس مبادرت کنند و این امر باعث افزایش تورم شد. بین سال‌های ۷۵-۱۹۷۴ م، بسیاری از کشورهای توسعه یافته به نوعی حالت تورم-رکود^۵ دچار شدند که این امر موجب کاهش فعالیت‌های اقتصادی و افزایش قیمت‌ها شد.

فروپاشی نظام «برتون وودز» و افزایش قیمت نفت و خارج شدن کنترل تولید و قیمت نفت از دست غربی‌ها همگی دست به دست هم دادند تا ضربه شدیدی به اقتصاد جهانی وارد آید. اقتصادهای مرتبط فشار زیادی به رهبران ملی در جهت هماهنگی سیاست‌های پولی و مالی وارد کرد. زیرا تک روی و اتخاذ سیاست‌های فردی باعث کسری یا مازاد تجاری و نوسانات ارزی نامطلوب می‌گردید. از این رو دولت‌های بزرگ صنعتی (غیر سوسیالیستی) چاره‌ای نداشتند جز این که با نشست‌های مشترک سیاست‌ها و همکاری‌ها را تسهیل و هماهنگ کنند.

همکاری در منطق تشکیل گروه هفت عبارت بود از چانه‌زنی بین دو یا چند کشور برای تعدیل رفتار و

1. Gross National Product (GNP)
2. Globalization
3. Globalized Economy
4. Inelastic
5. Stagflation

ترجیحات خود تا از این طریق دولت‌های دیگر تا حدی رفتار مورد نظر آنها را داشته باشند. هدف از این همکاری‌ها ورود به موقعیتی بود که در آن رفتارهای خود را طوری هماهنگ می‌کنند که به اهداف ملی‌ای نایل شوند که به تنهایی دست یافتنی نیست. لازم نیست اهداف دولت‌ها عین هم^۱ باشد، بلکه نوعی همپوشی^۲ و توازی^۳ منافع کافی است تا آنها دست به همکاری بزنند. بنابراین برای همکاری، همپوشی منافع لازم است و هر چه همپوشی منافع بیشتر باشد، همکاری بیشتری صورت خواهد گرفت.

تشکیل گروه هفت و همکاری کشورهای بزرگ صنعتی در قالب منطق و برداشت فوق از «همکاری» می‌گنجد. حوادثی که منجر به اجلاس سران کشورهای صنعتی (که دو سوم ثروت جهانی و نصف تجارت جهانی را در اختیار دارند) در ۱۵ نوامبر ۱۹۷۵ م و تشکیل گروه هفت شد، عبارتند از:

۱- فروپاشی نظام «برتون وودز»؛

۲- افزایش اعضای جامعه اقتصادی اروپا و گسترش فعالیت‌های بین‌المللی آن؛

۳- بحران نفتی ۱۹۷۴-۱۹۷۲ م؛

۴- رکود اقتصاد جهانی در فاصله سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۷۴ م.

گروه هفت از نظر حقوقی تابع قوانین و مقررات سازمان‌های بین‌المللی نیست و در حقیقت مجمعی سیاسی از سران کشورهای قدرتمند جهانی است.

اولین اجلاس گروه هفت به همت «والری ژیسگاردستن»، رئیس جمهور فرانسه،^۴ برگزار شد. در این نشست، کاناد حضور نداشت و روی هم رفته اجلاس حالت تشریفاتی داشت و رهبران شش کشور درباره بحران انرژی سخن گفتند و تصمیم گرفتند برای حل تفاوت‌های پولی بین خود جلسات دیگری برگزار کنند. نشست بعدی این گروه، در ۲۷ ژوئن ۱۹۷۶ م در امریکا برگزار شد و با حضور کاناد در این جلسات، گروه مذکور به گروه هفت معروف شد.

در آغاز، فعالیت‌های گروه هفت صرفاً منحصر به مسائل اقتصادی می‌شد ولی با بالا گرفتن تب جنگ سرد و رقابت دو اردوگاه شرق و غرب، کم‌کم مسائل سیاسی نیز در دستور کار گروه هفت قرار داشت. اعضای گروه هفت در پایان اجلاس متفقاً بیانیه‌ای سیاسی و بیانیه‌ای اقتصادی صادر کردند که تصمیمات و نظرات سیاسی و اقتصادی کشورهای بزرگ صنعتی را نشان می‌دهد.

□ مروری بر جلسات گروه هفت از ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۵ م

رهبران هفت کشور صنعتی در نشست ۱۹۷۶ م تصمیم گرفتند توجه بیشتری به تراز پرداخت‌های خود داشته باشند و در راه بهبود روابط شرق و غرب و همکاری با جهان سوم تلاش کنند. در این اجلاس همچنین بریک رشد اقتصادی کند و بدون تورم تأکید شده است. رهبران گروه هفت نظریه «جرالد فورد» رئیس جمهوری وقت امریکا، را که بر پایه آن کشورهای صنعتی باید برای جلوگیری از وقوع بحران با یکدیگر همکاری کنند، تأکید و مقرر شد این کشورها همواره قبل از وقوع بحران‌ها با یکدیگر مشورت کنند و هماهنگی‌های لازم را انجام دهند.

در نشست بعدی که در ۷ مه ۱۹۷۷ م در لندن برگزار شد کشورهای عضو برای کاهش نابرابری‌های

1. identical
2. OverLapping
3. Parallel

۴. فرانسه بیش از سایر کشورهای غربی نگران شرایط نفتی زمان خود بود.

اقتصادی بین خود نظریه موسوم به «لوکوموتیو» را مطرح کردند. بر اساس این نظریه کشورهای قوی تر در گروه ۷ رشد توسعه اقتصادی خود را ادامه می دهند و کشورهای دیگر نیز که با میزان تورم بالا و مشکلات مشابه مواجهند باید با اتخاذ سیاست های جدید، خود را به دنبال دیگران بکشانند. یعنی کشورهای نظیر آلمان و ژاپن که رشد اقتصادی بالا و مشکلات کم تری دارند نقش لوکوموتیو برای دیگر کشورها ایفاء کنند. در اجلاس ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۸ م در «بن» کشورهای عضو تصمیم گرفتند برای رشد اقتصادی، کاهش بیکاری و کنترل تورم به اقدامات جمعی دست بزنند. آلمان در این نشست عهده دار نقش «لوکوموتیو» اقتصادی شد. به عقیده بسیاری از اقتصاددانان بذره های تورم شدیدی را که سال های بعد اقتصاد غرب را به زانو درآورد، باید در اجلاس بن جستجو کرد.

در نشست بعدی که ۴ ژانویه ۱۹۷۹ م در فرانسه برگزار شد ژاپن و ایتالیا و کانادا غایب بودند و چهار کشور شرکت کننده عمدتاً درباره اختلاف نظرهای خود در مورد روابط شرق و غرب و مسئله خلع سلاح بحث کردند.

در نشست ۲۸ ژوئن ۱۹۷۹ م، گروه هفت که با بحران جدید نفتی ناشی از کاهش تولیدات ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی مواجه شده بودند سیاست های جدید صرفه جویی انرژی و توسعه سایر منابع سوختی را ارائه کردند. در اجلاس ۲۲ ژوئن ۱۹۸۰ م که در «ونیز» ایتالیا تشکیل شد، به دلیل تداوم بحران انرژی در جهان، سران گروه هفت، کربن و انرژی اتمی را منابعی مهم برای جایگزینی نفت انتخاب کردند و علاوه بر این، درباره افغانستان و اشغال این کشور به وسیله اتحاد شوروی سابق گفتگو کردند.

در اجلاس ژوئیه ۱۹۸۱ م در کانادا، سیاست پولی واشنگتن به ویژه بالا بودن نرخ بهره در امریکا، که منجر به ایجاد مشکلات اقتصادی برای شرکای امریکا شده بود، اختلافات زیادی بین واشنگتن و اروپا ایجاد کرد.

در نشست ژوئن ۱۹۸۲ م در «ورسای» فرانسه، اختلاف امریکا و اروپا درباره مسائل اقتصادی به ویژه نرخ بهره بالا در امریکا، افزایش ارزش دلار، امکان امضای قرارداد لوله کشی گاز با اتحاد شوروی سابق و مبادلات تجاری زمین بلوک شرق و غرب بالا گرفت. این اجلاس با بیانیه ای رسمی بدون دستیابی به هیچ تفاهمی پایان یافت.

در نشست ۲۸ مه ۱۹۸۳ م در «ویرجینیای» امریکا، ژاپن برای اولین بار یادداشت تفاهم سیاسی - نظامی با کشورهای عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) امضاء کرد. در این میان، وضعیت اقتصادی کشورهای مذکور رو به بهبود رفت و هفت کشور صنعتی، با فراموش کردن اختلافات دو اجلاس قبل، درباره آینده اقتصادی خود ابراز خوش بینی کردند. این کشورها اعلام کردند که برای کاهش نرخ بهره و هماهنگی سیاست های پولی تلاش خواهند کرد.

در نشست ژوئن ۱۹۸۴ م در «لندن»، هفت کشور صنعتی در مورد مسئله بدهی های خارجی کشورهای رو به رشد به گفتگو نشستند و در قطعنامه نهایی خود آنچه تروریسم بین المللی خواندند، محکوم کردند. در بیانیه این اجلاس بر احترام و حفظ ارزش های دموکراسی در جهان تأکید شد.

در نشست ۳ مه ۱۹۸۵ م در «بن»، هفت کشور برای آغاز مذاکرات موسوم به «دور اروگوئه» درباره تجارت جهانی به تفاهم رسیدند، اما تاریخ مذاکرات به دلیل اختلاف میان فرانسه و امریکا مشخص نشد. لیکن این مذاکرات از پاییز همان سال آغاز شد.

در نشست ۷ مه ۱۹۸۶ م در «توکیو»، هفت کشور مجدداً مسئله تروریسم را مطرح کردند و در بیانیه نهایی شان به لیبی اشاره کردند. واقعه چرنوبیل نیز رهبران هفت کشور را وادار کرد واکنشی در قبال مراکز اتمی بلوک شرق نشان دهند. در این اجلاس، در مورد فرضیه تشکیل «گروه پنج» بدون شرکت ایتالیا و کانادا و جامعه اقتصادی اروپا برای گفتگو درباره مسائل پولی بحث شد. افتتاح این اجلاس همراه با حمله موشکی به محل اجلاس بود، اما این حمله ناموفق ماند.

در نشست ۹ ژوئن ۱۹۸۷ م، گروه هفت در «ونیز» درباره همکاری‌های پولی به تفاهم رسیدند و در بیانیه پایانی خواستار پایان جنگ ایران عراق شدند. در این بیانیه، درباره روابط شرق و غرب و آنچه تروریسم بین‌المللی خوانده شده بود موضع‌گیری شد. «رونالد ریگان» رئیس جمهوری وقت امریکا که با ماجرای ایران گیت مواجه بود در این اجلاس تلاش کرد توافق شرکای خود را برای اجرای طرح حمایت از کشتیرانی آزاد در خلیج فارس جلب کند، لیکن موفق نشد.

در نشست ۱۹ ژوئن ۱۹۸۸ م در ایتالیا، گروه هفت سندی درباره خلع سلاح به تصویب رساندند و تصمیماتی برای کاهش فشار بدهی کشورهای فقیر اتخاذ کردند. مبارزه با مواد مخدر و حفظ محیط زیست نیز از مسائلی بود که مورد توجه و بحث سران هفت کشور صنعتی قرار گرفت. در این اجلاس برای اولین بار نشانه‌هایی از حمایت غرب از سیاست‌های «میخائیل گورباچف» رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق دیده شد.

در نشست ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۹ م در «پاریس» هفت کشور صنعتی هم‌زمان با فروپاشی کمونیسم توجه خود را به اروپای شرقی معطوف کردند و با توجه به پیام «گورباچف» و پیشنهاد آلمان، کشورهای مذکور از کمیسیون اروپا دعوت کردند تا مسئله کمک مالی به لهستان و مجارستان را مورد توجه قرار دهد. اجلاس «پاریس» با دو استمین سالگرد انقلاب فرانسه مصادف بود و جشن‌های مربوطه، این اجلاس را تحت الشعاع خود قرار داد.

در نشست ۵ ژوئیه ۱۹۹۰ م در «هوستون» امریکا، برای اولین بار مسئله کمک به شوروی مطرح شد. در این نشست رهبران هفت کشور، مذاکرات «دور ارگوت» را دنبال کردند.

در نشست ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۱ م «لندن»، محور اصلی مذاکرات وضعیت شوروی پس از کودتای ناموفق اوت علیه «گورباچف» بود. گورباچف در جریان این اجلاس در «لندن»، منتظر ملاقات با هفت کشور بزرگ صنعتی بود. در اجلاس «لندن» که هفدهمین نشست سران هفت کشور بزرگ صنعتی بود، سران این کشورها طی اعلامیه‌ای اعلام کردند که به هدف تعیین شده در «رامبونی» فرانسه دست یافته‌اند. تشکیل آژانس بین‌المللی انرژی، افزایش ذخایر نفتی، تغییر در الگوهای مصرف و صرفه‌جویی در مصرف نفت، استفاده از دیگر منابع انرژی نظیر زغال سنگ و انرژی هسته‌ای، افزایش نفوذ بر کشورهای صادرکننده نفت، کاهش وابستگی آنها به نفت و در نتیجه کاهش ارزش کالای استراتژیک نفت بود.

در نشست ۷ ژوئیه ۱۹۹۲ م «مونینخ»، موضوع بحث، یافتن تدابیری برای مقابله با بحران اقتصادی بود. مسئله کمک به شوروی که در آن زمان از هم پاشیده بود از جمله مسائل مدنظر نشست مونینخ بود که بدون حصول نتیجه قطعی مطرح گردید و «بوریس یلتسین» رئیس جمهور روسیه فقط موفق به گرفتن چند قول و مقدار کمی کمک مالی شد.

در نشست «توکیو» در سال ۱۹۹۳ م، رهبران گروه هفت درباره افزایش قدرت و نقش سازمان ملل متحد

در جهان، به ویژه برای مهار بحران‌های منطقه‌ای و سلاح اتمی به گفتگو نشستند. گروه هفت در بیانیه نهایی این اجلاس در کنار مسائل اقتصادی جهان، به مسئله بوسنی، کامبوج و کره شمالی نیز اشاره کرد و از طرفین درگیر خواستار خویشتن‌داری و مصالحه شد. هفت کشور صنعتی همچنین از جمهوری اسلامی ایران دعوت کردند تا در تلاش‌های صلح بین‌المللی مشارکت کند.

در اجلاس «ناپل» در ۱۹۹۴ م و «هالیفاکس» ۱۹۹۵ م بیشتر مباحث و نشست‌های گذشته واری شده. اما آنچه در اجلاس «هالیفاکس» بسیار اهمیت داشت، درخواست دولت امریکا از روسیه در خصوص لغو قرارداد همکاری هسته‌ای با ایران بود که با مخالفت مسکو روبرو شد. همچنین اعضا به رغم پیشنهاد امریکا، تنها به محکومیت تروریسم بین‌المللی اکتفا کردند و حاضر به تصریح نام ایران نشدند.

□ بررسی ابعاد مختلف اجلاس لیون، ۱۹۹۶ م

آخرین اجلاس سران هفت کشور بزرگ صنعتی در روزهای ۷ و ۸ و ۹ تیر ۱۳۷۵ ش برابر با ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ ژوئن ۱۹۹۶ م در «لیون» فرانسه برگزار شد. این نشست را می‌توان از ابعاد گوناگونی بررسی کرد. مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در اجلاس لیون عبارت بودند از:

۱- مسئله مقابله با تروریسم بین‌المللی

۲- تبعات جهانی شدن اقتصاد، کمک به کشورهای مقروض و فقیر و نسبت برابری نرخ ارزها

۳- تحریم تجاری کشورهای ایران و لیبی و کوبا

۴- روند صلح اعراب و اسرائیل

۵- مسئله بوسنی

۶- وضعیت سیاسی و اقتصادی روسیه

۷- مسائل متفرقه جهانی

□ مسئله مقابله با تروریسم بین‌المللی

معمولاً بین هفت کشور صنعتی در مورد دستور کار اجلاس و مهم‌ترین مسائلی که باید ارزیابی شود، اختلاف نظرهایی پدید می‌آید. رئیس جمهور امریکا قبل از ورود به فرانسه در جمع خبرنگاران چنین گفت: «مقابله با تروریسم باید در رأس هر گونه نظم تجاری قرار گیرد». از این روی تلاش کرد مهم‌ترین موضوع مورد بحث در اجلاس لیون، مسئله تروریسم باشد. ولی رئیس جمهور فرانسه، خلاف نظر امریکا می‌اندیشد. «ژاک شیراک» که در دوره کوتاه ریاست جمهوری خود موفقیت‌های خوبی در زمینه سیاست خارجی و دفاعی کسب کرده بود خواستار اولویت قابل شدن به مسئله بدهی‌های کشورهای جنوب و کمک به رشد اقتصادی ممالک در حال توسعه در اجلاس لیون بود. «هروه دوشارت» وزیر خارجه فرانسه نیز با ارائه آمار و ارقامی نشان داد که ایالات متحده در قعر جدول کشورهای کمک‌کننده به کشورهای نیازمند قرار دارد و سهم امریکا در کمک به کشورهای نیازمند و فقیر سال به سال کمتر می‌شود و برای این امر تعبیری جز خودخواهی نمی‌توان یافت. از این رو آقای شیراک تصمیم گرفت کمک به جهان سوم را موضوع اصلی دستور کار اجلاس گروه هفت قرار دهد.

به هر حال بعد از حادثه انفجار مقر نظامیان امریکا در طهران عربستان، تروریسم در کانون مباحث اجلاس گروه هفت قرار گرفت.

بعد از گفتگوهای طولانی، اعضا ضمن محکوم کردن انفجار مقر نظامیان امریکا در طهران عربستان.

مراتب تسلیت و همدلی خود را به دولت و ملت امریکا ابراز داشتند. در اعلامیه‌ای که به این مناسبت صادر شد، سران گروه هفت اعلام کردند: «این گونه حوادث غمناک اعتقاد ما را جزم می‌کند که تروریسم مهم‌ترین تهدید برای دولت‌ها و ملت‌هاست. ما ضمن محکومیت تمامی اشکال تروریسم، اعلام می‌کنیم که هیچ استثنا و بهانه‌ای نباید برای تسلیم عاملان چنین جنایتی به دستگاه عدالت وجود داشته باشد». سران هفت کشور در ادامه از تمامی دولت‌ها خواستند مبارزه با تروریسم را در کانون توجه خود قرار دهند و در همکاری بین‌المللی برای به زانو درآوردن تروریسم‌ها مضایقه نکنند.

برای نشان دادن اهمیت این موضوع (مقابله با تروریسم)، سران هفت کشور در ادامه اعلامیه خود اظهار داشتند که به زودی اجلاس وزیران خارجه هفت کشور در پاریس تشکیل خواهد شد و تمامی راه‌های مقابله با تروریسم را بررسی خواهد کرد.

سران هفت کشور صنعتی، تحت فشار امریکا ایران را به طور ضمنی متهم به حمایت از تروریسم بین‌المللی کردند. آنها در بخشی از اعلامیه ضد تروریستی خود گفتند: «ما از دولت ایران می‌خواهیم که تروریسم را کنار بگذارد». وقتی که ایران متهم به تروریسم می‌شود، در دیدگاه غربی‌ها حمایت‌های مادی و معنوی دولت ایران به گروه‌های جهادی لبنان و فلسطین و بعضاً شبه جزیره عربستان مدنظر است. آقای «هاشمی رفسنجانی» ریاست جمهوری، بارها اعلام کرده‌اند که باید بین نهضت‌های رهایی‌بخش و فعالیت‌های مافیایی فرق گذاشت. ولی از آنجا که امریکا و غرب ثبات اسرائیل و دولت‌های مرتجع عرب را برای تأمین منافع خود بسیار اساسی می‌دانند، به افراد یا گروه‌هایی که وضع موجود را نمی‌پذیرند و با آن مقابله می‌کنند، بر چسب تروریسم می‌زنند.

همچنین در اجلاس لیون مانند جلسات قبل، فتوای ارتداد و حکم مرگ «سلمان رشدی» مغایر با معیارهای حقوق بشر و حقوق بین‌الملل خوانده شد و از دولت ایران خواسته شد که اجرای این فتوی را لغو کند و پیشنهاد پاداش و جایزه به مجریان احتمالی این حکم را پس بگیرد.

روزنامه واشنگتن تایمز در مقاله‌ای در ۲۹ ژوئن ۱۹۹۶ م ضمن بررسی مباحث اجلاس لیون به ویژه مسئله تروریسم، بندهای مربوط به اعلامیه ضد تروریستی را بیشتر تعریف نشده و مبهم و کلی خواند. امریکا خیلی سعی داشت کشورهایی نظیر ایران مورد حمله مستقیم یا تحریم کشورهای بزرگ صنعتی قرار گیرند اما اعضا ضمن ناکافی خواندن دلایل و اسناد ادعایی امریکا علیه ایران، خواستار دیالوگ انتقادی با دولت ایران شدند.

□ مسئله بوسنی و هرزگوین و تصمیمات اتخاذ شده در این باره

در مورد تحولات بوسنی و هرزگوین، هفت کشور تصمیمات مهمی اتخاذ کردند که آثار آن هم اکنون آشکار شده است. آنها ضمن حمایت از تشکیل یک حکومت کثرت‌گرا^۱، مسئولیت اولیه اجرای توافقات صلح در این کشور را جوامع داخلی بوسنی و هرزگوین و رهبران آن دانستند. آنها ضمن حمایت از انتخابات سراسری (۲۴ شهریور) ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۶ م در بوسنی اعلام کردند که جهت تسهیل در اجرای درست انتخابات مساعدت خواهند کرد. از این رو دو هزار ناظر در سراسر بوسنی و هرزگوین مأمور خواهند شد تا شاهد صحت برگزاری انتخابات باشند.^۲ همچنین توصیه شده که نیروهای حافظ صلح ناتو، از جمله ۲۰ هزار امریکایی، محیطی امن و سالم برای برگزاری انتخابات فراهم کنند. بر اساس این بیانیه، سربازان ناتو به

1. Pluralism

۲. این گزارش قبل از انتخابات برنامه‌ریزی شده ۲۴ شهریور بوسنی تهیه شده است.

طور عمده، کمک‌های لجستیکی را در امر انتخابات ارائه خواهند کرد. قرار است ده روز بعد از برگزاری انتخابات، تحریم‌های سازمان ملل بر علیه این کشور خاتمه یابد.

دادگاه در خصوص تشکیل دیدگاه جنایتکاران جنگی و محاکمه متهمان، از تمامی دولت‌ها خواسته شد که برای تحقق این مهم، کمک‌های لازم را مبذول دارند. هفت کشور صنعتی، ادامه کارهای حکومتی بعضی از متهمان به جنایت جنگی، از قبیل «رادوان کارادزیچ» را مغایر توافقات صلح دانستند و از «کارادزیچ» خواستند که فوراً از کلیه مسئولیت‌های دولتی کناره‌گیری کند. در عمل نیز این گونه شد و کارادزیچ تحت فشار غرب به اجبار از تمامی سمت‌های دولتی خود استعفا داد.

برای تحکیم صلح در بوسنی، گروه هفت ضمن حمایت از تشکیل شورای اجرای صلح^۱ در فلورانس، آمادگی خود را برای ارائه هر نوع کمک اقتصادی و سیاسی در این زمینه اعلام کرد.

از دیگر موضوعات درباره بوسنی و هرزگوین، مسئله بازسازی و بازگشت آوارگان این کشور بود. هفت کشور، بازسازی اقتصادی را برای تداوم صلح بسیار ضروری دانستند و از کشورهای کمک‌کننده خواستند که تا دسامبر ۱۹۹۶ م (آذر ماه ۱۳۷۵ ش) به میزان ۵۰ درصدی و ژوئن ۱۹۹۷ م (تیر ماه ۱۳۷۶ ش) به میزان ۱۰۰ درصد به وعده‌های خود عمل کنند. بر اساس توافق لیون، کمک‌های اقتصادی باید در اختیار طرف‌های درگیر قرار بگیرد و گروهی بر گروه دیگر ترجیح داده نشوند.

هفت کشور از طرح‌های تحکیم صلح و تقویت همکاری را نیز حمایت کردند و بر این اساس از طرف‌های درگیر در حوادث شد که ساختارهای اقتصادی مشترک، نظیر بانک مرکزی، پول واحد، سیاست گمرکی مشترک و نظام پرداخت‌های واحد تأسیس کنند. به علاوه، از صندوق بین‌المللی پول نیز خواسته شد تا برای ثبات اقتصادی و برنامه‌های اصلاحی، کمک مالی در اختیار این کشور بگذارند.

مسئله آوارگان بوسنی از دیگر موضوعات مورد بررسی در اجلاس لیون بود. سران هفت کشور صنعتی از تمامی طرف‌های بوسنی و هرزگوین خواستند با سازمان ملل و دیگر مؤسسات غیر دولتی بین‌المللی جهت تسریع بازگشت آوارگان بوسنیایی همکاری لازم را به عمل آورند. از آنجایی که بازگشت آوارگان باعث سرعت بازسازی اقتصادی این کشور خواهد شد، مقرر شد که تا آخر سال جاری میلادی حدود ۱۸۵۰۰۰ آواره بوسنیایی به موطن خود بازگردند. همچنین برای تقویت نظام قانونی، پیشنهاد شد تا کارشناسان حقوقی برای تدوین قوانین مناسب به این کشور اعزام شوند.

○ اوضاع روسیه و روند صلح اعراب و اسرائیل

در دومین روز اجلاس سران، «کلینتون» از «بوریس یلتسین» که «ویکتور چرنومیردین» را به نمایندگی از خود به اجلاس لیون فرستاده بود، درخواست کرد که از اصلاحات سیاسی و اقتصادی خود دست نکشد. «وارن کریستوفر» نیز در حاشیه این اجلاس گفت: «موضعگیری لیون با توجه به انتخابات ریاست جمهوری روسیه بسیار اهمیت داشت».

بر خلاف سال‌های گذشته موضوع اصلاحات سیاسی و اقتصادی روسیه بحث غالب اجلاس هفت کشور نبود، شاید علت اصلی آن حضور «چرنومیردین» به جای «یلتسین» و انتخابات ریاست جمهوری در این کشور بوده و باشد. این که کرملین می‌خواهد مانع سرایت تهاجم فرهنگی غرب به روسیه شود، موجبات ناخشنودی مقامات امریکایی را فراهم آورده است. سخنگوی کاخ سفید، «مایکل مک کوری» چنین سیاستی

را مغایر با دموکراسی و فضای باز سیاسی در این کشور دانست. با این حال یکی از بندهای اصلی اعلامیه اقتصادی سران هفت کشور صنعتی به روسیه اختصاص داشت. آنها از ادامه اصلاحات سیاسی و اقتصادی و تعهدات جناح «یلتسین» به دموکراسی حمایت کردند و توافق به عمل آمده بین مقامات روسیه و صندوق بین‌المللی پول را باعث تقویت اصلاحات اقتصادی و ثبات مالی این کشور دانستند. به نظر سران هفت کشور، شرط اساسی بهبود اقتصادی روسیه فراهم آوردن شرایط سیاسی، اقتصادی و حقوقی نظام بازار آزاد به مفهوم غربی آن در روسیه است. همچنین از توافق بین کلوپ پاریس و دولت روسیه در زمینه جدول‌بندی دوبارهٔ بازپرداخت بدهی‌های خارجی روسیه حمایت شد.

بحران خاورمیانه که در قاموس غربی‌ها بیشتر به مفهوم اختلافات اعراب و اسرائیل است از دیگر موضوعات مهم اجلاس سران هفت کشور صنعتی بود. انتخاب «نتانیاها» به نخست‌وزیری اسرائیل این نگرانی را برای کاخ سفید و متحدان غربی او به وجود آورد که دستاوردهای گذشته در زمینه صلح با سیاست‌های جدید نخست‌وزیر اسرائیل خنثی و روند به اصطلاح «صلح» متوقف شود.

برای این منظور بخشی از اعلامیه پایانی اجلاس اختصاص به این موضوع داشت. هفت کشور صنعتی از اسرائیل خواستند که به فلسطینی‌های ساکن نوار غزه و ساحل غربی رود اردن اجازه کار در نواحی اشغالی دهد. همچنین دول حاضر در لیون ضمن پشتیبانی از طرح «زمین در برابر صلح»، اعتراضات «نتانیاها» را مبنی بر تهدیدهای امنیتی این طرح برای تمامیت اسرائیل، مردود دانستند. از سوریه و لبنان نیز خواسته شده است که به طور فعال در گفتگوهای جامع صلح منطقه‌ای با اسرائیل مشارکت کنند. مخاطب بخش مهمی از این بند اعلامیه سران هفت کشور صنعتی، ایران بود. آنها از دولت ایران خواستند که از ادامه حمایت مادی و سیاسی گروه‌های تندرو که مخالف روند صلح هستند و مشکلاتی در این زمینه ایجاد کرده‌اند. به طور جدی خودداری کند. این چنین لحنی بیانگر این است که هفت کشور بزرگ صنعتی به صورت تلویحی سیاست‌های ایران را یکی از موانع عمدهٔ روند صلح در منطقه تلقی می‌کنند. در حالی که مشکل اصلی عدم پیشرفت برنامه به اصطلاح «صلح» متوجه اسرائیل است که «صلح در برابر زمین» را ناقض حقوق خود تلقی می‌کند.

○ تبعات جهانی شدن اقتصاد، کمک به کشورهای مقروض و فقیر و نسبت برابری نرخ ارزهای معتبر جهانی بیشتر مباحث اقتصادی حول مسئلهٔ جهانی شدن اقتصاد و چالش‌ها و منافع حاصل از این تحول دور می‌زند. منافع و مزایای مهم جهانی شدن اقتصاد، گسترش سرمایه‌گذاری و تجارت در سطح جهان ایجاد فرصت‌های جدید برای کشورهای در حال توسعه و در نهایت بهبود حداقل کیفیت زندگی در این کشورها، توزیع سریع نوآوری‌های تکنولوژیکی و افزایش سریع مشاغل حرفه‌ای است که در نهایت باعث گسترش قابل توجه ثروت در سطح جهان خواهد شد.

ولی آیا توزیع این ثروت و رفاه، عادلانه بوده است؟ جهانی شدن اقتصاد، چالش‌هایی را نیز برای اقتصاد داخلی جوامع و کشورها در پی دارند. مزایای آن متحقق نمی‌شود مگر کشورها خودشان را به رقابت فزاینده عادت دهند. در کشورهای فقیرتر، جهانی شدن ممکن است باعث افزایش نابرابری‌ها شود و بخش‌هایی از جهان در حاشیه قرار گیرند^۱ و در نتیجه محروم‌تر شوند. سیاست‌های تعدیل اقتصادی که بعضی از آنها مستلزم ایجاد ساختارهای جدید است برای بعضی مردم دردناک است و اثرات وخیمی دارد. جهانی شدن

بازارهای مالی خطرات جدید بی‌ثباتی را به وجود آورده است و این امر ایجاب می‌کند که بعضی کشورها سیاست‌های اقتصادی دیگری، از جمله اصلاحات ساختاری را دنبال کنند.

مشکلات عمده‌ای که هفت کشور صنعتی با آن روبرو هستند عبارت است از: کسری بودجه، پایین بودن پس انداز ملی، بیکاری و تصلب و کشش ناپذیری اقتصاد نسبت به تغییرات محیطی. از این رو آنها برای غلبه بر مشکلات خود در اصول زیر اتفاق نظر دارند:

۱- رشد اقتصادی غیر تورمی و پایدار؛

۲- برنامه تثبیت مالی؛

۳- اتخاذ سیاست ضد تورمی؛

۴- نرخ بهره پایین؛

۵- اصلاحات ساختاری.

هفت کشور، ثبات مالی بین‌المللی را امری مهم می‌دانند اما جهانی شدن مایه جهانی خطر بی‌ثباتی در پی دارد. از این رو در نظر آنها اتخاذ ترتیباتی برای ثبات اقتصاد جهانی بسیار ضروری است. سران کشورهای قدرتمند صنعتی در بخشی از اعلامیه خود نظارت بر مایه بین‌المللی جهت ثبات مالی در سطح جهان را بسیار مثمر ثمر دانسته و متفقاً همکاری خود را در این زمینه اعلام کردند و از تحکیم استانداردهای سرمایه حمایت کردند.

اعضای گروه هفت در اجلاس لیون به توافق رسیدند تا در سال آینده میلادی به اهداف زیر نایل شوند:

الف - افزایش همکاری میان مقامات مسئول و ناظر مؤسسات فعال مالی بین‌المللی، به ویژه تعیین و روشن ساختن نقش و مسئولیت‌های آنها؛

ب - افزایش شفافیت بازارها و فعالیت‌های مربوطه؛

ج - اتخاذ استانداردهای قوی و احتیاطی؛

د - تقویت ساختارهای نظارتی در نهادهای مالی بین‌المللی؛

ه - ادغام فزاینده بازارهای سرمایه جهانی.

هفت کشور صنعتی، همچنین از توافقات به عمل آمده در زمینه افزایش دارایی‌های صندوق بین‌المللی پول که به زعم آنان برای ثبات مالی جهانی ضروری است استقبال کردند و متفقاً خواستار مقابله با تقلب مالی بین‌المللی،^۱ که همچنان در حال افزایش است، شدند. همچنین اعضا توافق کردند تا سیاست‌های تجاری و سرمایه‌گذاری خود را براساس توافقات سازمان تجارت جهانی^۲ و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۳ تنظیم کنند.

برای تسهیل جریان تجاری، اعضا به این نتیجه رسیدند که باید تشریفات گمرکی را با استفاده از وسایل پیشرفته الکترونیکی به حداقل ممکن رسانند.

در زمینه نسبت برابری ارزهای معتبر، کشورهای اروپایی از تقویت دلار در مقابل ین ژاپن اظهار رضایت کردند ولی این که دوباره دلار آمریکا در برابر ین تقویت شود، یعنی ارزش دلار بالاتر رود، مورد پذیرش امریکاییان واقع نشد.

1. Fiscal fraud

2. GATT

3. OECD

از دیگر موارد مورد بحث در اجلاس «لیون» کمک به کشورهای در حال توسعه و حل منصفانه معضل بدهی‌های آنها بود. قرار شد که راجع به بدهی‌های کشورهای فقیر و ده کشور خیلی فقیر اقداماتی صورت گیرد، تا ۶۷ درصد وام‌های آنها تقسیم شود. پیشنهاد شد که صندوق بین‌المللی پول بخشی از طلاهای خود را بفروشد تا ممالک فقیر، به خصوص در آفریقا بتوانند سالیانه بین شش تا هفت میلیارد دلار (از بابت ندادن وام‌ها) درآمد کسب کنند. همچنین به دلیل عدم انعطاف بانک جهانی، مقرر شد تا شیوه عملی اقدامات در اجلاس وزرای مالی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در پاییز امسال تعیین شود و ژاپن نیز پذیرفت که یک صد میلیون دلار صرف آموزش در کشورهای آفریقایی کند.

در این زمینه، همچنین سران هفت کشور از پرشدن دوباره^۱ «خزانه» صندوق توسعه آسیا و «صندوق توسعه آفریقا» حمایت کردند. اعضا از پیشرفت‌های حاصل شده در زمینه تخفیف مشکلات قرضه کشورهای در حال توسعه به وسیله باشگاه پاریس (و مفاد ناپل) استقبال کردند و برای بعضی از کشورهای فوق‌العاده نیازمند، سیاست‌های جدیدی از قبیل کاهش مقدار قروض آنها به مؤسسات چند جانبه یا دیگر بستانکاران دو جانبه (که عضو باشگاه پاریس نیستند) را ضروری دانستند، از صندوق بین‌المللی پول نیز خواسته شد برای تأمین بودجه کشورهای نیازمند ذخیره‌های خود را به نحو احسن استفاده کند.

○ طرح تحریم ایران از سوی آمریکا و واکنش کشورهای اروپایی و ژاپن

از دیگر مباحث داغ در اجلاس لیون، مسئله تحریم اقتصادی ایران و مصوبه کنگره آمریکا در خصوص مجازات شرکت‌های ثالث طرف قرارداد با ایران بود. همان طوری که رسانه‌های آمریکا اعلام کردند، کنگره آمریکا در جهت سیاست مهار دو گانه ایران و عراق و ادامه استراتژی تضعیف ایران، طرحی را به تصویب رساند که اولاً شرکت‌های آمریکایی حق سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران نداشته باشند، در ثانی اگر شرکتی از کشور ثالث در این زمینه بیش از ۴۰ میلیون دلار با ایران قرارداد ببندد مشمول مجازات‌های دولت آمریکا قرار گیرد. این مصوبه که به قانون «داماتو» معروف شده مورد تأیید رئیس جمهوری این کشور «بیل کلینتون» قرار گرفته است.

در مذاکرات پشت پرده لیون، «بیل کلینتون» و وزیر خارجه آمریکا از هم‌تایان اروپایی و ژاپنی خود خواستند تا دولت ایران را تحریم کنند تا این کشور از ادامه سیاست‌هایی که خوشایند ایالات متحده نیست، دست بکشد. ولی رهبران اروپایی، به ویژه «ژاک شیراک» چنین طرحی را غیر ضروری و بی دلیل خواندند و اعمال مجازات علیه شرکت‌های ثالث طرف قرارداد با ایران را مذموم و خلاف عرف بین‌الملل قلمداد کردند. از دید «شیراک» این امر ممکن است به اتخاذ سلسله اقدامات و واکنش‌هایی از طرف دولت‌های اروپایی منجر شود. وزرای خارجه ایتالیا و انگلستان نیز قانون «داماتو» را نامعقول دانستند و خواستار پیگیری سیاست گفت و شنود انتقادی با تهران شدند. «ژاک سانتر»، رئیس کمیسیون اروپا نیز اعلام کرد که اتحادیه اروپا اعتراض خود را به اقدامات یک جانبه و خارج از مرز آمریکا علیه معامله‌کنندگان با کوبا و ایران و لیبی ادامه خواهد داد. او افزود: «واشنگتن می‌تواند این قانون را تعدیل کند و نرمش بیشتری به خرج دهد. زیرا چنین نرمشی به نفع بهبود روابط بین آمریکا و اتحادیه اروپا خواهد بود. کانادا و آلمان نیز با واکنش مشابهی خواستار لغو قانون «داماتو» شدند.

از این رو طرح تحریم ایران در اجلاس «لیون» با شکست مواجه شد. ولی ذکر این نکته به جاست که

1. replenishment

اروپاییان صرفاً به دلیل ملاحظات اقتصادی با امریکا هم رأی نیستند، زیرا ایران یکی از شرکای عمده تجاری کشورهای نظیر آلمان و ژاپن و فرانسه است و ایران یکی از منابع مطمئن تأمین کننده نفت آنهاست. از این رو آنها نمی خواهند با سیاستی که هیچ نفع سیاسی و اقتصادی برای آنها ندارد خود را به مخاطره اندازند.

منابع

- 1- Thomas D. Lairson and David Skidmore, **International Political Economy**, (Harcourt: Brace Jovanovich College Publishers, 1993)
- 2- **Associated press** (6/29/96)
- 3- Economic Communique issued by G.7 Summit in Lyon (1996)
- 4- Declaration of Terrorism by G.7 Summit in Lyon (1996)
- 5- Decision on Bosnia Taken by G.7 Summit in Lyon (1996)
- 6- **Los Angeles Times** (July 1/1996)
- 7- **The Newyork Times** (July/ 1/1996)
- 8- **The Christian Science Monitor** (July/3/1996)
- 9- **The Washington Post** (June 30/1996)
- 10- **The Washington Times** (June 29/1996)
- 11- **Time** (July 1/1996)

- ۱- روزنامه اطلاعات بین الملل (اول ژوئیه ۱۹۹۶)
- ۲- روزنامه سلام (۷۳/۴/۱۸)
- ۳- روزنامه رسالت (۷۳/۳/۲۹)
- ۴- روزنامه اطلاعات (۷۵/۴/۱۱)
- ۵- روزنامه اطلاعات (۷۵/۵/۱۸)
- ۶- روزنامه سلام (۷۲/۴/۲۰)
- ۷- روزنامه اطلاعات (۷۵/۴/۲۷)
- ۸- روزنامه جمهوری اسلامی (۷۴/۲/۲۵)